

# معرفت آیت الله از دیدگاه بطن طرح و بررسی

سعیده غروی\*

## چکیده

اعتقاد به ظهر و بطن آیات قرآن کریم از جمله مباحثی است که مشهور علماء شیعه و اهل سنت به آن معتقد بوده و به فراخور تعریفی که از بطن آیات ارائه داده‌اند در این بحث دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. از جمله این علماء، اندیشمندان بزرگ مرحوم آیه الله معرفت<sup>(ره)</sup> می‌باشد که پیرامون بطن در آثار متعددی از جمله: در «التفسیر و المفسرون»، «التمهید»، «علوم قرآن» و... نظرات خود را بیان فرموده‌اند. این مقاله به طرح و بحث دیدگاه این اندیشمند بزرگ اختصاص یافته و از آنجا که حاصل بررسی کتب ایشان می‌باشد از ذکر مکرر آدرس کتاب‌های ایشان خودداری می‌گردد.

کلید واژه‌ها: ظهر، بطن، تنزیل، تاویل، اهل بیت، راسخان در علم.

## معنای بطن و ظهر

اعتقاد به وجود معانی بطنی برای کتاب مقدس، مختص مسلمانان نیست. شاید بتوان گفت اولین بار فیلون اسکندرانی متفکر یهودی قرون اولیه میلادی این عقیده را نشر داد. وی با تفسیر رمزی از کتاب مقدس، قرائت جدیدی و رای معنای لغوی آن ارائه داد و با این

\*. دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین قم.

اقدام خط مشی عرفان مسیحی را رقم زد .

در میان مسلمانان هم این اعتقاد از همان قرون اولیه به چشم می خورد، اما این دیدگاه متأثر از اهل کتاب نبوده بلکه منشاء آن روایاتی است که از سوی پیامبر اکرم (ص) و بعضی ائمه (ع) صادر شده اند .

ظهر در اصطلاح علوم قرآنی عبارت است از معنای ظاهری آیات قرآن که در ابتدا به نظر می رسد . برای اصطلاح بطن نیز ، معانی مختلفی ذکر شده که تعریف مورد نظر نگارنده این مقاله ، معنای پنهانی است که در زیر پوشش ظاهر آیات ، مخفی می باشد .

تأمل در روایات ظهر و بطن ، بیانگر معانی ای از این دو واژه می باشد که به طور اشتراک معنوی به کار رفته اند ، معانی منظور شده عبارتند از :

۱ . ظاهر قرآن حکم است و باطن آن علم می باشد ؛ و له ظهر و بطن فظاهر حکم و باطنه علم .<sup>۱</sup>

۲ . ظاهر قرآن انیق است و باطن آن عمیق می باشد ؛ ظاهره انیق و باطنه عمیق .<sup>۲</sup>

۳ . ظاهر قرآن تنزیل آیات و باطن قرآن تاویل آیات می باشد ؛ ظهره [تنزیله] و بطنه تاویله .<sup>۳</sup>

۴ . ظاهر قرآن کسانی هستند که قرآن درباره آنها نازل شده و باطن آن کسانی هستند که

مانند آنان عمل می کنند که آنچه درباره آنان نازل شده درباره اینان نیز جاری می گردد ؛ ظهره الذین نزل فیهم القرآن و بطنه الذین عملوا بمثل أعمالهم یجری فیهم ما نزل فی أولئک .<sup>۴</sup>

در میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی در مواجهه با این روایات ، افراط و تفریط‌هایی به چشم می خورد تا آنجا که بعضی دانشمندان اهل سنت اعتقاد به بطون را از افکار شیعه می دانند که برای اثبات عقیده خود به کار برده و این فرقه را به این دلیل که - طبق احادیث نبوی - قرآن را دارای ظهر و بطن می داند ، مورد نکوهش قرار می دهند ؛ و دسته دیگر باطنیه - با برداشت‌های اجتهادی و گاه مصلحتی ، راه تفسیر به رأی را هموار نموده اند .

توجه به این نکته ضروری است که اگر چه مهم ترین دلیل بر وجود بطون آیات ، روایاتی است که در این راستا وجود دارد و بعضی از این روایات بر گرفته از کلام انسان عظیمی است که به حکم آیه شریفه «وما ینطق عن الهوی \*ان هو الا وحی یوحی» (النجم ، ۵۳/۳ و ۴) سخن او بازتاب وحی الهی است . اما در این راستا ، به آیاتی استناد می شود که قرآن کریم را تبیان و تفصیل هر چیز می خوانند ؛ از دید قائلین بطون ، ظاهر این آیات الهی برای تبیان هر چیز بودن ، کافی نمی باشد .

بنا بر آنچه گذشت وجود بطون برای آیات الهی امری بدیهی است که نه تنها نقل بلکه عقل نیز آن را اثبات می کند و در این رابطه دیدگاه های مختلفی به چشم می خورد که شاید بتوان گفت منشاء این اختلاف ها در برداشت از معنای بطن نهفته است. اما از آنجا که مقاله حاضر در صدد بیان و بررسی دیدگاه آیه الله معرفت<sup>(۵)</sup> تنظیم شده، از بیان تفصیلی دیدگاه های دیگر و نیز بیان دلایل عقلی و نقلی بطون آیات صرف نظر شده است.

توجه به این نکته در خور تأمل است که فهم بطون آیات برای چه کسانی امکان پذیر می باشد. در این رابطه عده ای منکر توانایی بشر در فهم بطون هستند و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را تنها عالمان به بطون قرآن به شمار آورده اند (اخباریان). بعضی مدعی اند که با توجه به آیات و روایات می توان به بطون آیات قرآن دست یافت. از جمله آیه الله معرفت. و گروهی آن را ساخته اذهان شیعه می دانند که با تأسی به آن در صدد اثبات عقاید خود درباره پیشوایان دینی اش می باشد. ۵. مباحث این مقاله در جهت بررسی این مطلب و با ساختار زیر تنظیم شده است: حد بطن و تفاوت آن با تفسیر؛ راه دستیابی به بطن و ملاک صحت آن؛ عالمان به بطون آیات.

### الف: حد بطن و تفاوت آن با تفسیر:

در نگاه آیه الله معرفت<sup>(۵)</sup> تفسیر عبارت است از: زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است. ۶. و بطن عبارت است از: انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه ای که در مورد خاصی نازل شده است. ۷. بنابراین دیدگاه، بطن آیات قرآن از جمله مفاهیمی است که جنبه شمولی داشته و از قیودی که آیه را فرا گرفته است جدا شده باشد؛ هم چنین بطن را معنای دوم تأویل می خواند که منظور از آن تبیین مفهوم عام آیه می باشد. ایشان در تبیین سه تعبیری که درباره ظهر و بطن وارد شده یعنی: «ان للقرآن ظهراً و بطناً»، «ان له ظاهراً و باطناً»، «ما فی القرآن آیه الا و لها ظهر و بطن» معتقد است مقتضای دو تعبیر اول این است که قرآن کریم یک دلالت ظاهری دارد که قاری دانا به لغت و اسلوب کلام عربی آن را در می یابد، و یک دلالت مخفی پوشیده در ورای الفاظ که تنها کسانی که تعمق در آیات الهی دارند آن را لمس کرده و درک می کنند. مورد اخیر بر خلاف دو مورد اول، همه آیات را در بر نمی گیرد و مواردی چون آیات الاحکام را شامل نمی شود. بنا بر این دیدگاه، همه آیات قرآن کریم دارای بطن نیستند.

آیه الله معرفت در تبیین فرمایش امام باقر(ع) که فرمودند: ظهر قرآن، تنزیل و بطن آن تاویل آیاتش می باشد، بطن را از مدلولات التزامی کلام می خواند که ملازمه بین این معنا و کلام، ملازمه غیر بین است و بطن تبیین معنایی است که آیه آن را هدف قرار داده و با دلالت مخفی آن را شامل می شود که به عمق بخشی از ظاهر لفظ و الغاء قیود خصوصی از آیه نیاز دارد. از دید ایشان آیه دلالت آشکاری به حسب ظاهر دارد که متناسب با مناسبتی است که به سبب آن نازل شده و دارای دلالتی مخفی است که در بطن آیه نهفته و رسالت جاودانی آیه را دربردارد. بنا براین نظر، تأویل، تلاش و کوششی است برای فهم این معنای وسیع مخفی که آیه در رسالت جاودانی خود آن را هدف قرار داده، با این شرط که بین این کلام و معنای ظاهری باید رابطه نزدیکی وجود داشته باشد به طوری که معنای ظاهری خاص و معنای باطنی مستفاد از فحوای آیه عام باشد که شامل معنای ظاهری و غیر آن باشد تا موارد دیگر را نیز شامل شود و رسالت جاودانی و جهانی قرآن کریم را در برگیرد.<sup>۸</sup>

## تحلیل و بررسی

اول: آنچه در کلام همه دانشمندان علوم قرآنی و نیز مفسران آمده، این است که تفسیر در جایی کاربرد دارد که به علت تعقید و پیچیدگی در الفاظ؛ معنا، مبهم و نارسا باشد و برای رسیدن به این مهم، علاوه بر تدقیق در اسلوب کلام عرب و فهم معنای لغوی، نیازمند تأمل و تدبّر در قرائن معینه و صارفه<sup>۹</sup>، پیوسته لفظی<sup>۱۰</sup>، پیوسته غیر لفظی<sup>۱۱</sup> و ناپیوسته<sup>۱۲</sup> می باشیم. از سوی دیگر قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی است که تا ابد هدایتگر همه نسل ها در همه اعصار می باشد بنابراین، توضیح و تفسیر آیات نورانی اش نیز بایستی به گونه ای باشد که علاوه بر بیان معنای ظاهری الفاظش - که با کمک ترجمه نیز به دست می آید - در بردارنده مفاهیم عامی باشد که بر موارد مشابه در تمام اعصار قابلیت جریان داشته باشد؛ و بنا بر دیدگاه آیه الله معرفت ضرورت انتزاع مفهوم عام از آیات دارای سبب نزول خاص، مرحله ای از تفسیر است که منحصر در آیات با سبب نزول خاص نبوده آیات دیگر را نیز در بر می گیرد، گواه این سخن آن است که آیات با سبب نزول خاص حجم کمی را به خود اختصاص داده اند، و از روایات نیز این تخصیص به دست نمی آید. دوم: بر خلاف نظر آیه الله معرفت، قاری دانا به لغت و اسلوب کلام عربی تنها قادر به ترجمه ظاهری آیات می باشد و اگرچه انتزاع مفهوم عام از آیات، با نظر بر ظاهر الفاظ از

طریق ترجمه به دست نمی آید، اما مخفی نیز نمی باشد که آن را بطن بنامیم، بنابر این آنچه معظم له با عنوان بطن یاد می کند، چیزی جز تفسیر ظاهر آیات نمی باشد.

سوم: مفسران و دانشمندان علوم قرآنی مفسری را واجد شرایط می دانند که قبل از ورود به عرصه تفسیر، عالم به علومی باشد که در کتاب های علوم قرآنی با عنوان «علوم مورد نیاز مفسر» علوم یحتاج الیه المفسر؛ از آن یاد شده و نیز در مقدمه اکثر کتاب های تفسیری به آن و اهمیت آن اشاره شده تا مفسر بتواند با کمک آن علوم، علاوه بر توضیح مفهوم پیچیده آیات، آنچه از فحوای آن به دست می آید را نیز استنباط کرده و برای دیگران تشریح کند، بنابر این هر کس قادر بر این امر نمی باشد.

چهارم: در روایات مذکور تفاوتی بین ظهر و بطن آیات بیان نشده و این سخن آیه الله معرفت مبنی بر عدم وجود بطون برای تمامی آیات، یا باید بر ظواهر نیز جاری باشد یعنی باید پذیرفت که بعضی ظواهر قرآن حجیت ندارند و یا آنکه بپذیریم که همه آیات، دارای بطن می باشند، اگر چه ما قادر به فهم آن نیستیم.

پنجم: آیه الله معرفت در تشریح سه دسته روایت فوق پس از بیان روایت منقول از امام باقر<sup>(ع)</sup> که فرمودند: «ظهره تنزیله و بطنه تاویله منه ما قد مضی و منه ما لم یکن، یجری كما تجری الشمس و القمر» در ادامه می نویسد: و اضاف (ع): «لو ان الآیة اذا نزلت فی قوم، ثم مات اولئک القوم، ماتت الآیة، لما بقی من القرآن شیء، و لكن القرآن یجری اوله علی آخره ما دامت السماوات و الارض، و لكل قوم آیة یتلونها، هم منها من خیر او شر». این در حالی است که اولاً: هیچ گونه پیوستگی بین دو روایت فوق، وجود ندارد و با جستجو در کتب روایی و نیز تفاسیر متأثر چنین ملازم های بین این دو روایت یافت نشد، ثانیاً: مرجع نقل ایشان نیز در این دو روایت دو منبع جداگانه می باشد؛ منبع روایت اول «بصائر الدرجات» و منبع روایت دوم «تفسیر عیاشی» می باشد که با توجه به اختلاف راویان دو روایت و تفاوت منبع آنها دلیلی در دست نیست که این دو سخن در مجلس واحد و به دنبال یکدیگر از امام معصوم<sup>(ع)</sup> صادر شده باشند؛ ثالثاً: از آنجا که روایت دوم اشاره به جری و تطبیق آیات دارای سبب نزول خاص بر موارد مشابه در هر عصری می نماید، ایشان روایت اول را نیز تحت حاکمیت این روایت تشریح کرده و می نویسد:

و علیه، فان للقرآن ظهراً حسب التنزیل و بطناً حسب التأویل، و انما عبر عنه بالبطن؛ لان هذا المعنی العام قد استبطنته الآیة و استخلصت من طیها استخلاصاً،

و ذلك باعفاء جوانب الاية الخاصة و ملاستها التي كانت تجعل من الاية خاصة بمورد نزولها، لكنها لم تكن ذات مدخلية في هدف الاية العامة، فهذا الاعفاء و ذاك الاستخلاص يبدو وجه الاية العام و تصبح ذات رسالة خالدة و شاملة.

بنابر این اگر چه بنا بر اصل جری و تطبیق که در واقع برگرفته از قول معصوم (ع) می باشد، تمام آیات دارای سبب نزول خاص، بر موارد مشابه در هر عصری جریان دارند؛ اما بطن آیات، همان طور که قبلاً نیز ذکر گردید، اختصاص به آیات دارای سبب نزول خاص نداشته و این تخصیص با هیچ روایتی تأیید نمی گردد؛ از سوی دیگر تجرید خصوصیت از آیه دارای سبب نزول خاص و تعمیم حکم آن بر موارد مشابه در هر عصری، جری و تطبیق است که مفسر آگاه با توجه به آن به تفسیر و تبیین آیه مربوطه می پردازد.

### ب: راه دستیابی به بطن و ملاک صحت آن:

آیه الله معرفت تعیین ضابطه صحت تأویل - بطن - را امری لازم شمرده و برای آن سه شرط را ذکر می کند: ۱. تشخیص مقارنات اصیله ۱۳ از غیر اصیله ۱۴؛ که از طریق سبر و تقسیم منطقی می توان به ملاک ذاتی کلام و علت نخستین ثبوت حکم دسترسی پیدا کرد. ۲. دقت در شناخت خصوصیات کلام و میزان ارتباط آن با اصل موضوع که منجر به تمییز مغز کلام از پوسته آن می گردد و این امر نیاز به توجه و آگاهی زیادی دارد.

۳. فحوای عامی که از آیه به دست آمده به منزله کبرایی کلی، به ظاهر کلام دلالت داشته باشد. یعنی: معنای بطنی که از آیه به دست آمده به نحو کلی بر ظاهر تنزیل منطبق باشد. ۱۵. بنابراین، ایشان راه دستیابی به بطون آیات را به روش سبر و تقسیم منطقی با ابقاء مواردی که در اصل رسالت آیه دخالت داشته و حذف مواردی که در هدف آیه دخیل نبوده، ممکن می داند. مثلاً آیه شریفه «و ما ارسلنا من قبلك الا رجالاً نوحى إليهم فسالوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» (النحل، ۱۶ / ۴۳) را در شأن مشرکین می داند، به جهت جهالت آنان نسبت به اصل نبوت. بنا بر نظر ایشان چهار خصوصیت در آیه مورد نظر وجود دارد: ۱. در شأن مشرکین نازل شده است. ۲. به مشرکین فرمان داده شده که برای سؤال به اهل کتاب مراجعه کنند. ۳. سؤال برای فهم امکان پیامبری یک بشر بوده است. ۴. دلیل سؤال، جهالت نسبت به اصل نبوت می باشد.

سپس می فرماید: مشرکین دخالتی در هدف این آیه ندارند، امر به سؤال به خاطر موضع جهل شان بوده نه به دلیل مشرک بودن شان؛ هم چنین خصوصیت امکان پیامبری یک بشر، دخالتی در اصل آیه ندارد بلکه هر امری که نسبت به آن جهالت وجود دارد در بر می گیرد. رجوع به اهل کتاب که یهودیان بوده اند نیز به این دلیل بوده که آنان عالم به نبوت سابق بودند که عرب جاهلی نسبت به آن جاهل بوده است. بنا بر این وقتی این چهار خصوصیت را که دخالتی در مراد اصلی آیه ندارد از آن جدا کرده و لب کلام را أخذ نمودیم، نتیجه آن می شود که بر هر جاهلی واجب است که در هر مسأله ای از مسائل، به علماء آن مسأله مراجعه کند و این فحوای عام آیه و رسالت باقی و جاودانه آن می باشد. ۱۶

ایشان بر این نکته تاکید می کند که بطن، اجنبی از ظهر نبوده بلکه متناسب با آن است به صورت تناسب کلی با مصداقش، و مدلول ظهر است به دلالت التزامی پوشیده در کلام، که غیر از عالمان کسی این دلالت را در نمی یابد. ایشان این کلام را همان سخن شاطبی می خواند و دلایل شاطبی بر صحت معنای بطن را این گونه بر می شمرد: ۱. با مقتضای مقرر در زبان عربی سازگار باشد. ۲. وجود نص یا ظاهر در محل دیگر، که بر صحت این بطن شهادت دهد. ۱۷

و در توضیح این دو شرط می فرماید: شرط اول از این که قرآن به زبان عربی نازل شده آشکار می شود، چرا که اگر برای ظاهر قرآن معنایی بود که کلام عربی آن را اقتضا نداشت وصف قرآن به زبان عربی صحیح نبود؛ و شرط دوم به این جهت است که اگر شاهد دیگری برای بطن، در قرآن نباشد یا معارضی داشته باشد از جمله ادعاهایی است که درباره قرآن مطرح می شود و صرف ادعا قابل قبول نیست.

## تحلیل و بررسی

اول: همان طور که آیه الله معرفت فرموده اند، الغاء خصوصیت و انتزاع مفهوم عام از آیات، با جاودانگی قرآن ارتباط دارد؛ اما این مفهوم نتیجه ای کلی است که از ظواهر آیات به دست آمده، لذا مخفی نبوده و یکی از مراحل تفسیر است. به همین دلیل تمامی شرایطی که ایشان برای صحت بطن بر شمرده اند، برای برداشت صحیح پیام آیات و تفسیر کلی از ظواهر آیات امری ضروری و اجتناب ناپذیرند.

دوم: آنچه شاطبی ذکر کرده و مورد قبول آیه الله معرفت نیز واقع شده، در صحت تفسیر و تبیین ظواهر آیات الهی شرط است. زیرا اولاً: همه متفکران اسلامی با استناد به آیات، اذعان دارند که آخرین شریعت الهی جهت تعقل و تدبّر انسان‌ها در قالب زبان عربی نازل شده و شرط سازگاری با اسلوب و قواعد عرب بیشتر در برداشت از ظواهر، جریان دارد و همه مراتب بطون برگرفته از ظواهر الفاظ و معانی مادی آن نیستند. ثانیاً: اگر بپذیریم که تمام آنچه از قرآن برداشت می‌شود باید مطابق با قواعد و اسلوب زبان عرب باشد نه تنها باید فقط ملتزم به ظواهر باشیم، بلکه در برابر شبهاتی که دلالت بر تاثیر پذیری قرآن دارند باید تسلیم شویم. ثالثاً: یافتن شاهد بر معنای بطنی در آیات دیگر قرآن، مستلزم قبول فهم همگانی از معنای بطون است، که همان طور که بعضی محققین<sup>۱۸</sup> نیز گفته‌اند دلالت آیات بر مبنای قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره، آشکار نیست تا فهم آن برای همگان میسر باشد، بلکه دلالت آیات بر آن راز و رمز ویژه‌ای دارد که تنها خدا و راسخان در علم که از راز و رمز آن آگاه‌اند، آن را می‌دانند و راه پی بردن دیگران به آن منحصر به فراگیری از راسخان در علم است.

### ج: عالمان به بطون آیات:

آیه الله معرفت معتقد است مفسران با رعایت ضوابطی که ذکر آن در مبحث قبل گذشت قادر به ارائه معانی بطنی آیات می‌باشند و نیز اعتقاد دارد معصومین (ع) با بیان معانی بطنی از آیات در ضمن روایات، نحوه برداشت بطنی را به مفسران آموخته‌اند. از جمله این موارد که مورد استناد آن مرحوم می‌باشد تفسیر «ماء معین» به علم نافع است که در این باره مینویسد:

معنای ظاهری آیه مبارکه «قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا فمن يأتكم بماء معین» (الملک، ۳۰/۶۷) کاملاً روشن است؛ می‌گوید: نعمت وجود، وسایل زندگی و تداوم حیات، همه در گرو اراده الهی و بر اساس تدبیر جهان شمول اوست؛ زیرا خداوند تنها کسی است که به دلیل امکان حیات جاوید، این زمینه را مهیا ساخته که اگر فضل و عنایت خداوند به بندگانش نباشد، کار بر آنان سخت خواهد شد. این معنای ظاهری آیه بود، اما امام باقر (ع) در ذیل آیه بیانی دارد که معنای باطنی و محتوای کلی آیه را روشن می‌سازد؛ امام می‌فرماید: «اگر امام و پیشوای خودتان را



از دست بدهید و به او دسترسی نداشته باشید چه خواهید اندیشید؟»<sup>۱۹</sup> معلوم است که امام (ع) در این آیه «ماء معین» را به پیشوای امت تفسیر می کند. امام رضا (ع) در تفسیر آیه فرموده است: «مراد از «ماؤکم» علوم ائمه است و ائمه ابواب علم الهی هستند؛ در نتیجه مراد از «ماء معین» نیز علم ائمه است».<sup>۲۰</sup>

بدون شک با دقت در بیان امام در خواهیم یافت که آوردن استعاره «ماء معین» برای علم نافع، آن هم در زبان پیامبر یا وصی او به ویژه وقتی که پشتوانه آن وحی الهی باشد، بسیار به جا و مناسب است؛ زیرا همان طور که آب منبع حیات مادی و منشاء اصلی امکان ادامه حیات بر روی کره خاکی است، علم نافع - به ویژه علم دین - تنها پایه اساسی زندگی معنوی است و سبب سعادت دنیوی و جاودانگی اخروی انسان خواهد شد. بنابر این در این آیه نیز آب که مایه اصلی حیات است - با قطع نظر از قرائن خاص - به مفهوم عام آن در نظر گرفته شده که شامل علم نیز خواهد بود که ضامن حیات مادی و معنوی بشر است. این معنا در آیات دیگر قرآن نیز آمده است آن جا که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (الانفال، ۲۴/۸). یا در آیه دیگر که میفرماید: «لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (آل عمران، ۱۶۴/۳). پس در آیه فوق علم نافع - علوم ارائه شده از طرف پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) - مایه حیات معنوی شمرده شده است.<sup>۲۱</sup>

## تحلیل و بررسی

اول: علاوه بر تاکید بعضی از آیات قرآن کریم - از جمله آل عمران/ ۷، واقعه/ ۷۹ - مبنی بر آن که تنها بعضی خواص، قادر به درک حقایق این کتاب می باشند، روایات فراوانی نیز در کتب روایی شیعه وجود دارد که فهم حقایق قرآنی را برای مسلمانان - غیر از اهلش - غیرممکن دانسته و فهم آن حقایق را فقط در حیطة درک و علم اهل بیت (ع) می دانند.

این روایات به چند دسته تقسیم می شوند: ۱. روایاتی که برای قرآن کریم مراتب و وجوه زیادی بیان کرده و فهم حقیقت قرآن را دورترین چیز نسبت به عقل بشر ذکر می کند؛ از جمله: أ: عن عبد الرحمن السّلمی، أن علیاً (ع) مرّ علی قاض فقال: «أ تعرف النَّاسخ من

المسوخ؟»، قال: لا، فقال: «هلكت وأهلكت، تأويل كل حرف من القرآن على وجوه». ٢٢.  
 ب: عن علي بن الحكم، عن محمد بن الفضيل، عن شريس الوابشى، عن جابر بن  
 يزيد، قال: سألت أبا جعفر<sup>(ع)</sup> عن شيء من التفسير؟ فأجابني، ثم سأله عنه ثانية فأجابني  
 بجواب آخر! فقلت: كنت أجتني في هذه المسألة بجواب غير هذا، فقال: «يا جابر إن  
 للقرآن بطناً أو للبطن بطناً] وله ظهر وللظهر ظهر، يا جابر وليس شيء أبعد من عقول  
 الرجال من تفسير القرآن إن الآية يكون أولها في شيء وآخرها في شيء وهو كلام متصل  
 منصرف على وجوه». ٢٣.

ج: عن عبد الرحمن بن الحجاج، قال: سمعت أبا عبد الله<sup>(ع)</sup> يقول: «ليس شيء أبعد  
 من عقول الرجال من القرآن». ٢٤.

د: و عن جابر، قال. قال أبو عبد الله<sup>(ع)</sup>: «يا جابر إن للقرآن بطناً وللبطن ظهراً وليس  
 شيء أبعد من عقول الرجال منه إن الآية لينزل أولها في شيء وأوسطها في شيء وآخرها  
 في شيء وهو - كلام متصرف - على وجوه». ٢٥.

٢. رواياتي كه اهل البيت<sup>(ع)</sup> را راسخون في العلم خوانده و تنها آنان را عالم به تاويل  
 تمام وجوه و حقايق قرآن می دانند؛ اين روايات به طرق مختلف و در موارد بسيارى ذكر  
 شده، ليكن در اين قسمت به ذكر مواردى بسنده مى شود.

أ: عن أحمد بن محمد، عن الوشاء، عن ثعلبة بن ميمون، عن أبي مريم، قال، قال  
 أبو جعفر<sup>(ع)</sup> لسلمة بن كهيل والحكم بن عتيبة: «شرقاً وغرباً فلا تجدان علماً صحيحاً إلا  
 شيئاً خرج من عندنا أهل البيت». ٢٦.

ب: عن أحمد بن محمد، عن البرقي، عن المرزبان بن عمران، عن إسحاق  
 بن عمار، قال: سمعت أبا عبد الله<sup>(ع)</sup> يقول: «إن للقرآن تأويلاً فمنه ما قد جاء ومنه ما لم  
 يجرى فإذا وقع التأويل في زمان إمام من الأئمة عرفه إمام ذلك الزمان». ٢٧.

ج: الطبرسي في التفسير الصغير، عن الصادق<sup>(ع)</sup> في قوله تعالى: «و من عنده علم  
 الكتاب» قال: «إيانا عنى وعلى أولنا». ٢٨.

د: و عن الباقر<sup>(ع)</sup> و الصادق<sup>(ع)</sup> في قوله تعالى: «ثم أورثنا الكتاب الذين اصطفينا»  
 قال: «هى لنا خاصة إيانا عنى». ٢٩.

هـ: و عن الباقر<sup>(ع)</sup> في قوله: «و ما يعلم تأويله إلا الله و الراسخون فى العلم» قال:

«رسول الله (ص) أفضل الراسخين» . ۳۰

و: و عن الباقر (ع) في قوله: «ولو ردّوه إلى الرسول و إلى أولى الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم» قال: «هم الأئمة المعصومون (ع)» . ۳۱

ح: و عن محمد بن خالد، عن سيف بن عميرة، عن أبي بصير، قال: قال أبو جعفر (ع) «نحن الراسخون في العلم و نحن نعلم تأويله» . ۳۲

ط: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه عن محمد بن سنان، عن زيد الشحام، قال: دخل قتادة بن دعامة على أبي جعفر (ع) فقال: «يا قتادة أنت فقيه أهل البصرة» فقال: هكذا يزعمون . فقال أبو جعفر (ع): «بلغني أنك تفسر القرآن» فقال له قتادة: نعم . فقال له أبو جعفر (ع): «فإن كنت تفسره بعلم فأنت أنت و أنا أسألك» إلى أن قال أبو جعفر (ع): «ويحك يا قتادة إن كنت إنما فسرت القرآن من تلقاء نفسك فقد هلكت و أهلكت و إن كنت قد فسرت من الرجال فقد هلكت و أهلكت و يحك يا قتادة إنما يعرف القرآن من خوطب به» . ۳۳

دوم: روایاتی که آیه الله معرفت برای بطن ذکر می کنند در مواردی در مقام بیان معانی بطنی نیستند؛ مثلاً معنایی که با استناد به روایات مختلف برای میزان ذکر می کنند<sup>۳۴</sup> معنای نهفته ای نمی باشد بلکه معنای عام میزان در نظر گرفته شده و آن عبارت باشد از مقیاس سنجش امور مادی و غیر مادی؛ و نتیجه کلی که از محدوده صدق آیه شریفه بیان شده در خور کتاب مقدسی است که باید به فراخور جاودانه بودنش همه امور را در بر گیرد .

دسته دوم روایاتی که مورد استناد ایشان قرار گرفته اگر چه بعضی به بیان معانی بطنی پرداخته اند لیکن به سهولتی که ایشان ذکر می کند، با کمک آنها نمی توان به شیوه معین و مدونی برای تحصیل معنای بطنی آیات دست یافت . مثلاً در «ماء معین» اگر آنچه از روایات به دست آمده، نبود هرگز از آن به دست نمی آید که منظور علم نافع می باشد و اگر در مواردی حتی در تعبیر خواب، آب بیانگر علم است، نیز به طور قطع از همین روایات به دست آمده است .

از سوی دیگر تأمل در روایاتی که معنای بطنی آیات را مشخص می کنند، ما را بر این امر رهنمون می سازد که نه تنها معنای بطنی که از آیات بیان شده، عام نیست بلکه خاص تر از ظاهر آیه مربوطه می باشد . و این بر خلاف معنایی است که آیه الله معرفت برای بطن آیات ذکر کرده که عبارت باشد از استخراج معنای عام از ظاهر آیات .

با تأمل در این نکته به تفاوت بیان روایات بطنی با دیگر روایات می توان پی برد، زیرا گاه معصوم در مقام بیان تفسیر ظواهر آیات بر آمده است، به شرح معنا و توضیح آیات قرآن کریم پرداخته، الفاظ مجمل را تبیین و به توضیح کلمات غریب اقدام کرده، مانند بیان معصوم از حسنا در آیه شریفه ۸۳ سوره بقره که در روایت آمده: عن ابی نجران، عن ابی جمیلة المفضل بن صالح، عن جابر بن یزید، عن ابی جعفر<sup>(ع)</sup> فی قول الله تعالی «و قولوا للناس حسنا» (البقرة، ۸۳/۲). قال: «قولوا للناس احسن ما تحبون ان یقال فیکم». ۳۵

در مواردی دیگر به ذکر سبب نزول آیه شریفه اقدام می کردند مانند: روی عن ابی جعفر الباقر<sup>(ع)</sup> انه قال: ان قوم من اليهود ليسوا من المعاندين المتواطئين، اذا لقوا المسلمين حدثوهم بما فی التوراة من صفة محمد<sup>(ص)</sup> فيحاجوكم به عند ربكم، فنزلت الآية: «و إذا لقوا الذين قالوا امنا و إذا خلا بعضهم إلى بعض قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليهم ليحاجوكم به عند ربكم أفلا تعقلون» (البقرة، ۷۶/۲). ۳۶

در مقام دیگر به بیان مصادیق آیات الهی پرداخته اند که شاهد ذیل از این نوع می باشد: عن معاوية بن وهب، قال: سألت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> عن قول الله «غير المغضوب عليهم و لا الضالین» (الحمد، ۷/۱)، قال: «هم اليهود و النصارى». ۳۷

لیکن آنچه از بررسی روایات بطنی به دست می آید آن است که معصوم<sup>(ع)</sup> در این روایات، به بیان معانی ای از ظاهر الفاظ می پردازد که در ظاهر برای مخاطب ابهامی نداشته و مخاطب گمان می برد معنای لفظی ای که فهمیده مورد نظر است در حالی که در روایات ذکر مصداق همواره ضمیر، موصول و یا نکته ای به طور مبهم ذکر شده که با بیان معصوم<sup>(ع)</sup>، ابهام لفظ بر طرف می شود. اگر چه مصادیق آیات نیز درجه ای از نهفتگی را دارند. اما این همان معنایی است که نسبت به مراتب ظاهر و باطن بیان می شود که هر ظاهری نسبت به ظاهرتر از خود باطن است.

مثلا در آیه شریفه اول سوره بقره معنای کتاب برای خواننده امر مبهمی نیست، لیکن آنچه در روایت بیان شده نه تنها هرگز با هیچ معیار و ضابطه لفظی ای به دست نمی آید بلکه بیانگر هیچ معنای عامی از کتاب نبوده و حتی معنای خاصی از آن را در بر دارد: ابو الحسن علی بن ابراهیم بن هاشم، قال: حدثنی ابی، عن یحیی بن عمران، عن یونس، عن سعدان بن مسلم، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله<sup>(ع)</sup>، قال: «الکتاب» (البقرة، ۲/۱) علی<sup>(ع)</sup>

از سوی دیگر این معنا را نه در نصوص دیگر می توان یافت و نه قادر هستیم آن را به سایر کتاب هایی که در آیات کریمه دیگر آمده است ، سرایت دهیم .

مثال دیگری که می توان برای این امر ذکر کرد معنایی است که در روایت بطنی برای هدی ذکر شده است : عن جابر ، قال : سالت ابا جعفر (ع) عن تفسیر هذه الآية فی باطن القرآن «فإِماماً یا تینکم منی هدی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (البقرة، ۲/ ۳۸) قال : «تفسیر الهدی علی (ع)» . ۳۹

در این روایت نیز هدی ظاهری قابل فهم دارد ، لیکن آنچه در روایت ذکر شده نه در نصوص دیگر سابقه دارد و نه معنای عامی از آن است و نه الگوی قابل سرایت بر موارد دیگر ارائه می دهد .

### نتیجه گیری

۱ . آنچه آیه الله معرفت در تعریف معنای بطنی ذکر کرده اند که بیان باشد از انتزاع معنای عام از آیات ، همان تفسیر می باشد و یکی از رسالت های تفسیر ، تبیین جاودانگی قرآن یعنی انتزاع معنای عام از آیات و سرایت احکام آن بر تمامی عصرها و برای همه نسل ها می باشد ؛ معنای بطن نیز همان طور که از معنای لغوی اش فهمیده می شود امری پوشیده می باشد که همگان قادر به فهم آن نیستند .

۲ . ضوابطی که آیه الله معرفت برای شرط صحت بطن بر شمرده اند و نیز شرایطی که شاطبی ذکر می کند تنها برای برداشت صحیح از آیات و تفسیر دقیق آن حاکم است .

۳ . بنا بر آنچه از آیات و روایات به دست می آید فهم معنای بطنی آیات قرآن کریم تنها از طریق گفتار معصوم به دست می آید و به حکم آیه شریفه ۷ سوره آل عمران ، از علوم حضوری است و موهبتی الهی برای معصومین (ع) می باشد که راهی برای کسب غیر در آن نیست .

و به فرمایش آیه الله جوادی آملی :

رسیدن به همه معارف قرآن ، میسر انسان کاملی است که اگر نشأ وجودی او مقدم بر قرآن نباشد ، لا اقل باید همسان باشد تا بتواند جامع و حافظ همه مطالب آن باشد . انسان کاملی که اولین ظهور حق و مظهر اسم اعظم ذات باری تعالی

باشد، به همه حقایق قرآن تکوینی احاطه پیدا می کند و نیز انسان کاملی که به منزله جان آن اولین تجلی، تلقی شده، بی شک به معارف قرآن تدوینی راه دارد و همه معصومین<sup>(ع)</sup> که نور واحدند، خود، قرآن اند. در علم عقل، قرآن معقول و در عالم مثال قرآن ممثل و در مرحله طبیعت قرآن ناطقند. ۴۰

- 
۱. وسائل الشیعة، ۱۷۱/۶.
۲. همان.
۳. بصائر الدرجات/ ۱۹۶.
۴. همان/ ۲۵۹.
۵. التفسیر و المفسرون، ۲۸/۲.
۶. التأویل / ۱۷/۱.
۷. همان/ ۲۳.
۸. همان/ ۳۳-۳۷.
۹. از جمله: مشترک لفظی، مشترک معنوی، ایجاز، اضممار، مجاز، کنایه. برای اطلاع بیشتر ر. ک. روش شناسی تفسیر قرآن- بابایی- / ۱۱۱-۱۱۸.
۱۰. اقسام سیاق برای اطلاع بیشتر ر. ک. همان/ ۱۱۸- ۱۴۴.
۱۱. فضای نزول، ویژگی های گوینده سخن، ویژگی های مخاطب، و ویژگی های موضوع سخن. برای اطلاع بیشتر ر. ک. همان/ ۱۴۴- ۱۹۲.
۱۲. آیات دیگر، روایات. برای اطلاع بیشتر ر. ک. همان/ ۱۹۲- ۱۹۶.
۱۳. مقارناتی که در هدف اصلی آیه دخالت دارند.
۱۴. مقارناتی که در هدف اصلی آیه دخالتی ندارند.
۱۵. آیه الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسران دو شرط اخیر را تحت یک شرط و به این قرار ذکر کرده اند: دومین شرط تاویل صحیح، رعایت نظم در کنار گذاشتن خصوصیات کلام مورد تاویل و تجرید آن از قرائن خاصه است تا حقیقت و مغز آن در قالب مفهوم عام هویدا گردد. التفسیر و المفسرون، ۱/ ۲۹.
۱۶. التأویل/ ۳۸-۳۹.
۱۷. الموافقات فی اصول الشریعة، ۳/ ۳۹۴.
۱۸. مکاتیب تفسیری، ۱۶/۲.
۱۹. الغیبة/ ۱۶۰.
۲۰. تفسیر القمی، ۲/ ۳۷۹.
۲۱. تفسیر و مفسران، ۱/ ۲۹.
۲۲. تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۲.
۲۳. المحاسن- البرقی- ۲/ ۳۰۰.
۲۴. تفسیر العیاشی، ۱/ ۱۷.
۲۵. همان/ ۱۱.
۲۶. الکافی، ۱/ ۳۹۹.
۲۷. بصائر الدرجات/ ۱۹۵.
۲۸. وسائل الشیعة، ۲۷/ ۱۹۹.
۲۹. همان/ ۲۰۰.
۳۰. همان.
۳۱. همان.
۳۲. بصائر الدرجات/ ۲۰۴.
۳۳. الکافی، ۸/ ۳۱ و ۳۱۲.
۳۴. تفسیر و مفسران، ۱/ ۲۷ و ۲۸.
۳۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۲۶۲.
۳۶. مجمع البیان، ۱/ ۲۸۶.
۳۷. البرهان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۱۱۷.
۳۸. همان/ ۱۲۳.
۳۹. همان/ ۱۹۸.
۴۰. تفسیر موضوعی قرآن، ۱/ ۳۷۶-۳۷۷.